



گزینه «عجله دارم» گران فروشی نیست

قانون تعریفی برای گرانفروشی دارد و گفته شده که اگر فردی بالاتر از قیمت‌ها و نرخ‌های رسمی و اعلام شده خدمت یا کالایی را عرضه کند، گرانفروشی کرده است. اما سکوهای اینترنتی قیمت رسمی و مصوب ندارند و از شمولیت این ماده قانونی خارج هستند. محمدرضا حاجی جعفری، معاون مرکز ملی پایش و بهبود کسب و کار در گفت‌وگو با ایلنا درباره تصمیم‌گیری راجع به گزینه «عجله دارم» در تاکسی‌های اینترنتی و اعلام موضع مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار مبنی بر اینکه عجله دارم مصداق گرانفروشی نیست، اظهار داشت: مرکز به‌عنوان پیگیرکننده حقوق کسب‌وکارها به این موضوع ورود کرده و در این باره تصمیم‌گیر نبوده است. مرکز نهادهایی که در حقوق کسب و کار فعال هستند شامل دبیرخانه هیئت عالی نظارت بر اصناف، اتاق اصناف، معاونت علمی به‌گردد هم آورد تا با هماهنگی‌ها این دستگاه‌ها در این باره تصمیم‌گرفته‌شود.



پرداخت جایزه خوش‌مصرفی آب

الگوی مصرف تعیین شده برای هر خانوار تهرانی ۱۲ مترمکعب در ماه است و بپارایت الگوی مصرف تعیین‌شده در صورت کاهش مصرف دو برابر مبلغ پرداختی قبلی جایزه دریافت می‌کنند. به گزارش مهر، محسن اردکانی، مدیرعامل آبیای تهران با دعوت از تمامی مشترکان شرکت آب و فاضلاب استان تهران برای صرفه‌جویی حداقل ۱۰ درصدی مصرف آب برای گذر بدون مشکل و نگرانی از تابستان گرم پیش رو، گفت: براساس دستورالعمل‌های تعیین‌شده، مشترکان پرمصرفی که مصارف خود را به زیر الگوی مصرف برسانند، به ازای هر مترمکعب مصرف کمتر از الگوی تعیین‌شده، جایزه خوش‌مصرفی به‌صورت بستانکاری در قبوض آنان لحاظ می‌شود. به‌گفته او مشترکان خوش‌مصرفی که مصارف آنان در سال گذشته زیر الگوی تعیین‌شده بوده است، در صورت کاهش هر مترمکعب مصارف خود، جایزه خوش‌مصرفی دریافت می‌کنند. او گفت: امسال چهارمین سال پیاپی خشکسالی را سپری می‌کنیم و یک تنازری بین منابع و مصارف به علت خشکسالی‌های گذشته وجود دارد.



بساط پدر خوانده‌های نظام مهندسی را جمع می‌کنیم

بساط پدرخوانده‌های نظام مهندسی ساختمان جمع خواهد شد. به گزارش ایلنا، حمزه شکیب، رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور از آغاز به کار سامانه جامع مدیریت پیکارچه سازمان نظام مهندسی ساختمان از ۱۵ تیرماه خبر داد و گفت: با راه‌اندازی این سامانه سرچشمه فساد مسدود خواهد شد. او ادامه داد: سازمان نظام مهندسی پیش از ۶۲۰ هزار عضو دارد و یک سازمان شبکه‌ای برای ارائه تمام خدمات مهندسی در سراسر کشور محسوب می‌شود. باید توجه داشت که جزو کشورهای در حال توسعه هستیم و حجم ساخت‌وساز در کشور حجم قابل توجه است و چرخه مالی سنگینی در این جریان وجود دارد. رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور افزود: از سال ۹۲ که وجهی از سوی مالکان به صورت مستقیم به حساب نظام مهندسی واریز می‌شود، شرایط تغییر کرد و ورود به هیئت‌مدیره برای افراد صنفی جذاب شد و شکل سازمان نظام مهندسی تغییر پیدا کرد.

تاریخ اقتصاد



حفا به معمار توسعه

چکیده‌ای از مصاحبه حبیب لاجوردی با خداداد فرمانفرمائیان که به تازگی فایل کامل آن از سوی دانشگاه هاروارد منتشر شده است



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

با دانشگاه هاروارد همکاری کرد، به‌عنوان استاد در دانشگاه پرینستون مشغول به تدریس شد.

فرمانفرمائیان در سال ۱۳۳۳ به دعوت و اصرار ابوالحسن ایتهاج که قصد داشت دفتر اقتصادی سازمان برنامه را راه‌اندازی کند به ایران بازگشت و ریاست دفتر اقتصادی را بر عهده گرفت.

فرمانفرمائیان از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ ریاست بانک مرکزی را برعهده داشت و بعد از آن تا سال ۱۳۵۱ رئیس سازمان برنامه و بودجه ایران شد. او در این گفت‌وگوی بلند که ۱۶ نوار را شامل شده درباره این آشنایی گفته در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۵) آقای ایتهاج را ملاقات می‌کند و او «سرپرستی دفتر اقتصادی سازمان برنامه و بودجه» را پیشنهاد می‌کند.

فرمانفرمائیان در این مصاحبه گفته: «اما می‌دانید، وقتی به عقب برمی‌گردم، کل موضوع اینکه چه کسی باید رئیس دفتر اقتصادی باشد، واقعاً یک مسئله صفر و یکی نبود. من وارد سازمان شده بودم و آقای ایتهاج به من گفت: «بین، من هیچ انتخابی ندارم. من مجبورم تو را به‌عنوان رئیس موقت دفتر اقتصادی آزمایش کنم»، و من مشکلی با این نداشتم. ضمناً، پیش از آنکه عزم بازگشت به ایران کنم، آقای ایتهاج از من پرسیده بود: «شما چه کسی را به‌عنوان معاون خود می‌خواهید؟» من گفتم دکتر رضا مقدم (دکترای اقتصاد از دانشگاه استنفورد) را بپذیرند. دکتر مقدم پذیرفته بود. او در زمان غیبت من در ایران، دست به کار راه‌اندازی دفتر اقتصادی زده بود.»

دفتر شروع به کار می‌کند اما در انتهای سال تنها ۱۴ نفر نیرو جذب می‌کنند چراکه به گفته او یافتن ایرانی‌هایی که اقتصاد خوانده باشند، دشوار بود: «من فی‌الواقع در پی کسانی می‌گشتم که نظریه قیمت، نظریه اشتغال، تجارت بین‌الملل، ریاضیات و اقتصادسنجی را یاد گرفته باشند. این چیزی بود که من در پیشینه آن‌ها به دنبال می‌گشتم، چراکه می‌خواستم آن‌ها در درجه اول پایه خوبی در نظریه داشته باشند، پیش از آنکه بتوانند متخصص در توسعه باشند؛ من دنبال آمرادان، آمرادان خوب می‌گشتم. تا جایی که به یاد می‌آورم، هیچ‌کس در آن زمان در بین تمام تحصیل‌کرده‌های اروپایی متقاضی شغل، آمرادان نبود. این افراد بهترین‌هایی بودند که در آن ایام می‌توانستیم بیابیم.»

ورود فرمانفرمائیان به سازمان برنامه و بودجه با میانه‌های اجرای دومین برنامه عمرانی که هفت‌ساله بود یکی می‌شود که اتفاقاً با کمبود منابع مالی مواجه شده بود، آنها ناچار بودند نیازها را تخمین بزنند و این پول را از طریق تأمین کنند. او گفته: «کارمان در این زمان این بود که خودمان را بیشتر با ایران آشنا کنیم، که از اولویت‌های بالا و مفروض بود و ما به‌طور منظم، اعضای دفتر اقتصادی را برای بازدید از مناطق می‌فرستادیم و با مملکت آشنا می‌شدیم. نه‌فقط این، بلکه با برخی از ادارات برنامه‌ریزی کشورهای همسایه، نظیر پاکستان، نظیر هند به‌طور خاص و ترکیه، موافقت‌نامه‌هایی داشتیم که اعضای دفتر اقتصادی را به آن جابجاستیم، و به علاوه مشاوران خارجی به ایران بیایند، تا با تجربیات این کشورها آشنا شوند. با این حال برنامه بازدید از نواحی مختلف، شهرها و همچنین صنایع، طرح‌های کشاورزی، برنامه‌های کشاورزی، توسعه‌های

حوضه رودهای مختلف ایران بسیار بسیار گسترده‌تر بود. در این سفرها، اعضای دفتر می‌کوشیدند تمام اطلاعاتی را که می‌توانستند گردآوری کنند تا پیشرفت برنامه عمرانی دوم و مقصدمان با توجه به برنامه عمرانی سوم را ارزیابی کنند.»

نفوذ غیر ممکن در وزارت دارایی

فرمانفرمائیان اما در این گفت‌وگو اعتراف می‌کند که فلسفه‌ای که آن زمان عمیقاً شیفته‌اش بود، رشد اقتصادی بود اما ایرادات مبتنی بر توزیع عادلانه درآمد، برابری و اشتغال، جای مهمی در تفکر آنها نداشت. او در جایی از این مصاحبه می‌گوید: «ما تخمین زدیم که در طول برنامه دوم، ایران سالانه شش درصد رشد کرد که بسیار زیاد بود. حسب تجربه‌های قبلی، برای سومین برنامه عمرانی ما حدس زدیم که اقتصاد ایران می‌تواند با نرخ ثابت سالانه ۶ درصد بدون مشکل رشد کند. ما کنترل چندانی بر الگوی توزیع درآمد، که به عوامل دیگری غیر از تخصیص سرمایه بستگی داشت، نداشتیم. به‌عنوان مثال، کل دستگاه مالیات‌ستانی و سیاست مالی و اداره آن عتیقه و اصلاح‌ناپذیر بود و ما نتوانستیم نفوذ چندانی در آن داشته باشیم. ما هیچ‌گاه نتوانستیم به آن سنگری که وزارت دارایی خوانده می‌شد، نفوذ کنیم.» فرمانفرمائیان مدعی بود که اگر اختیار داشتند و اگر سیاست و اصلاحات پیشنهادی آنها پذیرفته می‌شد، توزیع درآمد را حتی در همان ابتدا بهبود می‌دادند.

او از دوران حضورش در دفتر اقتصادی سازمان برنامه و بودجه اینگونه یاد می‌کند: «به معنی کلمه ما یقیناً از آن زمانه جلوتر بودیم و چیزی جدای از روح آن زمان بودیم، ما فرای آن بودیم و می‌کوشیدیم همه را با خود بالا بکشیم. کل مفاهیم متنوع اصلاحات اداری مفاهیم اقتصادی نظیر -تولید ناخالص ملی، سرمایه‌گذاری، پس‌اندازها، توزیع درآمد، ارتباط بین‌بخشی، نرخ رشد، تعدیل تراز پرداخت‌ها، تعدیل ساختاری، سیاست پولی، سیاست مالی و غیره - همه از دفتر اقتصادی نشأت گرفته بود تا تأثیری برگشت‌ناپذیر بر تفکر ادارات دولتی و مقامات سیاسی بگذارد.»

درگیری و استغای ایتهاج بر سر بودجه

در عمل اما سازمان برنامه و بودجه با دولت‌ها به مشکل برخورد و به استغای ایتهاج از این نهاد منجر شد. فرمانفرمائیان می‌گوید که کابینه‌ها بخشی از تخصیص‌های ثابت از درآمدهای نفتی که موافقت کرده بودند به این سازمان بدهند را کم می‌کردند و آنها را مجبور می‌کردند تا به استقراض خارجی دست بزنند و همین موجب شده بود تا مدیریت مشکلات مالی سازمان به سختی انجام شود: «خاطرم هست که شخصاً نزد آقای ایتهاج می‌رفتم و با وی درباره این مشکل سخن می‌گفتم. من گفتم: آقای ایتهاج شما نمی‌توانید ادامه بدهید و سازمان برنامه را یکصدویسده میلیارد ریال متعهد کنید در حالی که تنها مجاز به هزینه‌کرد هشتادوهفت میلیارد ریالید. من به نگاهی کرد و روی میز کوبید و گفت: کی می‌خواهی بیهمی اگر من این هزینه‌ها را تعهد کنم، کابینه این مبالغ را برمی‌دارد و در طرح‌های نظامی تلف می‌کند؟ او جداگانه‌ای دانست که آن چه ما می‌گفتم درست بود.»

فرمانفرمائیان در سال‌های ابتدایی دهه چهل و در دولت علی امینی، قبل از تأیید نهایی برنامه سوم برای آنکه مشکلات سازمان را کنترل کند پیشنهاد می‌دهد مسئولیت آماده‌سازی و تقدیم کل بودجه حکومت، که هم شامل بودجه جاری و هم سرمایه‌ای می‌شود به سازمان برنامه سپرده شود. او تأیید این ایده را اینگونه بازگو کرده است: «من استدلال کردم که سازمان برنامه باید یکسری کنترل‌های پایه‌ای برای حصول اطمینان از اینکه برنامه اجرا شده است، داشته باشد و فارغ از این همه، بودجه یک کشور، به‌خصوص یک کشور در حال توسعه، در تحلیل نهایی در واقع باید بیش از هر چیز دیگری بازتاب اهداف توسعه ملی کشور در دوره‌های یک‌ساله باشد و هیچ‌کس هم نباید بودجه جاری را از بودجه سرمایه‌ای یا عمرانی جدا کند. به محض اینکه من این را گفتم، ایده مثل بمب ترکید، بمب بزرگی هم بود. پس من با نخست‌وزیر صحبت کردم، با او بحث کردم و او را بخت. من قبل از اینکه نخست‌وزیر شود، او را با این مفهوم آشنا کرده بودم، قبل از پذیرش سمت به او توصیه کرده بودم که رویکردی جدید اتخاذ کند. بعداً و البته به خاطر آقای بهنیا، وزیر دارایی، دکتر امینی نمی‌توانست کار چندانی انجام دهد، اما خیلی زود پس از آنکه آقای بهنیا استعفا کرد، دکتر امینی وزارت خانه او را نگاه داشت و وزیر جدیدی منصوب نکرد، او براساس پیشنهاد من عمل کرد و به من دستور داد که یک قانون تحویل اختیار برای مجلس آماده کنم که انتقال کارویژه بودجه‌ای فعلی از وزارت دارایی به سازمان برنامه را تأیید کند. او این عمل تعادل‌زایی را که من پیشنهاد کرده بودم، درک کرده بود و از من حمایت کرد.»

امینی به وعده خود عمل نکرد

به این شکل بودجه را نه وزارت دارایی بلکه سازمان برنامه و بودجه نوشت؛ هر چند امینی به وعده خود وفا نکرد و پیش از ارائه لایحه بودجه‌ای که سازمان آن را تهیه کرده بود، جهانگیر آموزگار را به‌عنوان وزیر دارایی معرفی کرد و او نیز با انتقال بودجه به‌عنوان بخشی مهم از وزارت خانه‌اش موافقت نکرد، ایده‌ای که به گفته فرمانفرمائیان اینکه کارویژه بودجه‌ای به سازمان برنامه بیاید و اجرای طرح‌ها به وزارت خانه‌ها برود، یکی از بزرگ‌ترین اقدامات اصلاحی مملکت بود.

او از سازمان استعفا می‌دهد چراکه معتقد بود اگر کل بودجه